درباره سياست‌هاي كلي نظام در فرهنگ و هنر

**باسمه‌تعالي**

**پرسش‌هاي مرتبط با سياست‌هاي كلي نظام در فرهنگ و هنر**

**۱ - از نظر حضرت عالي به عنوان يك صاحب‌نظر فرهنگي و فاضل حوزوي سياست‌هاي كلي نظام در امر فرهنگ و هنر بايستي به چه مقوله‌ها و محورهايي بپردازد؟**

در دنياي امروز که فرهنگ و هنر به‌عنوان يکي از ارکان اصلي هويت ملي و اجتماعي هر کشور شناخته مي‌شود، تنظيم سياست‌هاي فرهنگي و هنري کار ساده‌اي نيست. جمهوري اسلامي ايران با توجه به شرايط خاص اجتماعي، فرهنگي و سياسي خود، بايد سياست‌هايي هوشمندانه و منطبق با اصول اسلامي و ايراني تدوين کند که نه‌تنها در برابر تهديدات بيروني مقاومت کند، بلکه باعث رشد و شکوفايي هنر و فرهنگ در درون کشور نيز شود.

در سياست‌هاي کلي نظام در عرصه فرهنگ و هنر بايد به چند مقوله کليدي توجه داشت. نخستين مسئله، «حفظ هويت فرهنگي» است. بايد سياست‌ها در جهت تقويت و ترويج فرهنگ اصيل اسلامي-ايراني و پاسداري از آن در برابر تهديدات فرهنگي بيروني شکل گيرد. دومين موضوع، «تحکيم نهادهاي فرهنگي» است که شامل خانواده، مدارس، مساجد و رسانه‌ها مي‌شود. اين نهادها بايد در راستاي اهداف فرهنگي نظام به‌طور يکپارچه و هماهنگ عمل کنند.

**- مهمترين ظرفيت‌ها، فرصت‌ها، قوت‌ها، ضعف‌ها، و تهديدات در هر يك از اين محورها كدامند؟**

ظرفيت‌ها و فرصت‌ها در عرصه فرهنگ و هنر زياد است. به‌ويژه در حوزه فناوري‌هاي نوين، فضاي مجازي و رسانه‌ها فرصتي داريم که به سرعت مي‌توانيم پيام‌هاي فرهنگي را گسترش دهيم. قوت‌ها هم در باورهاي ديني و سنت‌هاي فرهنگي ما نهفته است. اما ضعف‌ها و تهديدات نيز وجود دارد؛ يکي از بزرگترين تهديدات، نفوذ فرهنگ‌هاي بيگانه از طريق رسانه‌ها و شبکه‌هاي اجتماعي است که هويت فرهنگي کشور را تهديد مي‌کند. همچنين ضعف در هماهنگي و انسجام ميان نهادهاي فرهنگي و عدم استفاده بهينه از ظرفيت‌هاي موجود، از جمله مشکلات است.

**- مضمون سياستي و جهت‌گيري راهبردي در هر يك از اين محورها چه بايد باشد؟**

جهت‌گيري سياست‌هاي فرهنگي بايد در راستاي «تقويت هويت فرهنگي ملي» و «نهادينه‌سازي ارزش‌هاي اسلامي و ايراني» باشد. بايد توجه ويژه‌اي به نسل جوان و نوجوان داشته باشيم و آن‌ها را درگير اين فرآيند کنيم. تقويت توليدات فرهنگي بومي، ايجاد زيرساخت‌هاي فرهنگي ديجيتال و توسعه صنايع فرهنگي از مهم‌ترين جهت‌گيري‌ها خواهد بود.

**۲ - بند سياستي پيشنهادي شما ناظر به هر يك از عرصه‌هاي موضوعي زير چيست؟**

در هر يک از اين عرصه‌ها سياست‌هاي ويژه‌اي بايد اتخاذ شود:

 **رسانه و فضاي مجازي**

تقويت توليد محتواي سالم و اسلامي در فضاي مجازي و رسانه‌ها، همراه با آموزش مهارت‌هاي رسانه‌اي براي جوانان.

 **سبك زندگي**

توليد و آموزش سبک زندگي اسلامي و ايراني که در آن ارزش‌هاي اخلاقي، اجتماعي و ديني ترويج شود از طريق توليدات رسانه‌اي؛ فيلم و سريال و نظارت بر آن‌ها.

 **فرهنگ ديني**

تقويت و ترويج آموزه‌هاي ديني در جامعه از طريق نهادهاي آموزشي و رسانه‌ها، خصوصاً طراحي برنامه طولاني‌مدّت و يكپارچه براي مدارس آموزش و پرورش و توجه به مهدكودك‌ها و مدارس غيرانتفاعي كه از متأسفانه از كنترل دولت خارج شده است.

 **هنر**

حمايت از هنرهاي اصيل ايراني و اسلامي، در عين حال ايجاد فضايي براي نوآوري و توليد آثار هنري با مضامين ارزشي. بيشتر از طريق برگزاري همايش‌ها، نشست‌ها و نمايشگاه‌هاي كوچك محلّي در تمام مناطق كشور.

 **مسائل اجتماعي**

شناسايي و توجه به مشکلات اجتماعي از جمله فقر، بيکاري، آسيب‌هاي اجتماعي و تلاش براي ايجاد راهکارهاي عملي در اين زمينه، با كمك گروه‌هاي جهادي و با حمايت نهادهاي دولتي و خيريه.

 **خانواده و زنان**

تقويت نهاد خانواده به‌عنوان سلول اصلي جامعه و تبليغ و ترويج فلسفه تشكيل خانواده و تبيين علمي ضرورت خانواده و ساختار سنّتي آن با ادبيات جديد و به‌روز.

 **تعليم و تربيت**

بررسي نظام آموزشي کشور و بازطراحي ساختار يكپارچه و هدفمند اين نظام با توجه به تحوّلات فرهنگي و فناوري دهه‌هاي اخير با تأکيد بر آموزش‌هاي اخلاقي و فرهنگي در مدارس و دانشگاه‌ها، به نحوي كه بتواند با آموزش‌هاي فضاي مجازي رقابت كند.

 **علم و پژوهش**

پايين آوردن سن پژوهش از طريق درگير كردن دانش‌آموزان با مسائل اجتماعي در راستاي پاسخگويي به نيازهاي فرهنگي و اجتماعي کشور. نسل جوان به دليل درك بهتر از فضاي اجتماعي در صورت مواجه شدن با مشكلات و درك واقعي از نيازها، هم هويّت فرهنگي به دست مي‌آورد و هم دغدغه‌مند مي‌شود و راه‌حل‌ها و ايده‌هاي تازه‌اي ارائه مي‌دهد.

 **فرهنگ مضاف (فرهنگ رسانه، فرهنگ اقتصادي، فرهنگ سياسي، فرهنگ مديريت، فرهنگ عمومي)**

ارتقاي فرهنگ رسانه‌اي، اقتصادي، سياسي و مديريت از طريق آموزش‌هاي عمومي رسانه‌اي ساده، به كمك فيلم، انيميشن و سريال‌هاي جذّاب، به نحوي كه همگان ناخواسته و بدون نياز به شركت در دوره‌هاي آموزشي بتوانند با ساختارهاي جديد فرهنگي آشنا شوند. اين نياز به حمايت و مشاركت گروه‌هاي مردمي و علاقه‌مند دارد.

**۳ - به نظر شما مهمترين چالش‌ها و كاستي‌هاي كشور در گام اول انقلاب در عرصه «نظامات مديريتي فرهنگ و ساختار حكمراني فرهنگي» چه بوده و براي رفع آن‌ها و ارتقاي اين عرصه چه راهكارها و راهبردهايي را پيشنهاد مي‌كنيد؟**

 **نقش‌آفريني مردم در فرهنگ**

 **ساختار تقنين و تدوين سياست‌ها**

 **ساختار اجراي سياست‌ها**

 **ساختار نظارت بر اجراي سياست‌ها**

در گام اول انقلاب، مهم‌ترين چالش فقدان ساختار منسجم و هماهنگ براي مديريت فرهنگ بود؛ پراکندگي نهادهاي فرهنگي و عدم وجود سياست‌هاي اجرايي يكپارچه. اتفاق بعدي اين بود كه مردم فعاليت‌هاي فرهنگي تأثيرگذاري كه پيش از انقلاب به صورت خودجوش داشتند را رها كردند، با اين اميد كه دولت و حاكميت مسئول فرهنگ است. دولت نيز در اين عرصه دست‌تنها ماند و گرفتاري‌هاي اقتصادي و سياسي مانع توجه كافي به مسائل فرهنگي شد.

براي رفع اين کاستي‌ها، ابتدا بايد نهادهاي فرهنگي را تقويت کرده و ساختارهاي حکمراني فرهنگي را به‌طور دقيق‌تر و با هماهنگي بيشتر طراحي و سازمان‌دهي کنيم. همچنين بايد از طريق اصلاح ساختارهاي تقنيني، اجراي سياست‌ها و نظارت بر آن‌ها قدرت اِعمال حاكميت در مسائل فرهنگي تقويت شود، تا پراكندگي‌ها حذف شود و هم‌افزايي ميان نهادها و سازمان‌ها پديد آيد، يعني به صورت دقيق و قانوني با بدرفتاري‌هاي فرهنگي و بدآموزي‌هاي رسانه‌اي برخورد گردد. سپس بايد دوباره براي بازگرداندن مردم به عرصه فرهنگ تلاش كرد، با ايجاد مشارکت عمومي در عرصه فرهنگ و تشويق و توجيه گروه‌هاي مردمي، تا مردم مانند دهه‌هاي قبل نقش فعال‌تري در توليد و مصرف فرهنگ ايفا کنند. قانون بايد حامي اين فعاليت‌ها باشد.

در نهايت، سياست‌هاي فرهنگي بايد نه‌تنها بازتاب‌دهنده نيازهاي جامعه باشد بلکه در راستاي حفظ و تقويت هويت فرهنگي ملي و ديني عمل کند. در اين مسير، ضروري است که ساختارهاي فرهنگي کشور با دقت، هماهنگي و تعامل ميان نهادها به صورت منطقي و علمي بازسازي شود، تا به اهداف بلندمدت فرهنگي و هنري کشور دست يابيم.